

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 8, Autumn 2021, 181-199
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.35157.2153

A Critical Review on the Book ***“An Introduction to Islamic Archaeology”***

Mohsen Saadati*

Abstract

From among the topics related to archaeology, archaeologists and researchers have always been interested in the archaeology of the Islamic era, as one of the most diverse periods with currents regarding art, architecture, urbanism, etc. The present article intends to describe and review “*An Introduction to Islamic Archaeology*” by Marcus Milwright. This research aimed at archaeologically reviewing the Islamic era as one of the important areas in archaeology. The above-mentioned book introduces the Islamic period looking at the social and religious status, some monuments of the Islamic era, cultures, as well as customs and traditions. The current article seeks to review this work in terms of form and content. In such a review, the book is considered in three aspects: technically, structurally, and in terms of writing features. Then in the content review, the accuracy and validity of the material as well as the author’s deficiencies are addressed. The detailed review of this book indicates that despite its remarkable print quality and the relative fluency of the text, the book has several problems in some chapters. In terms of content, the book suffers from a number of drawbacks, for example, it fails to refer to first-hand sources, the images have no reference, there is no general structure for dynasties and

* Manager of National Cultural Heritage Department in Ray, PhD in Islamic Archaeology, University of Tarbiat Modares, Tehran, Iran, m.saadati69@gmail.com

Date received: 31/05/2021, Date of acceptance: 25/09/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

governments of the Islamic period and finally, the contents are dispersed given the extensive scope of the subject matter.

Keywords: Islamic Archaeology, Islamic Architecture, Islamic Art, Social Archaeology.



بررسی و نقد کتاب "An Introduction to Islamic Archeology" مقدمه‌ای بر باستان‌شناسی اسلامی

محسن سعادت^{*}

چکیده

در میان مباحث مربوط به باستان‌شناسی، باستان‌شناسی دوران اسلامی به عنوان یکی از دوران متنوع با جریان‌هایی درخصوص هنر، معماری و شهرسازی همواره مورد توجه باستان‌شناسان و پژوهشگران قرار داشته است. نوشتار پیش‌رو به بررسی و نقد کتاب «مقدمه‌ای بر باستان‌شناسی اسلامی» نوشته مارکوس میلرایت می‌پردازد. هدف از انجام این پژوهش، بررسی و نقد کتاب باستان‌شناسی اسلامی به عنوان یکی از گرایش‌های مهم رشته باستان‌شناسی است. کتاب فوق به معرفی باستان‌شناسی دوران اسلامی با نگاهی به وضعیت اجتماعی و مذهبی، برخی بناهای دوران اسلامی، فرهنگ‌ها و آداب و رسوم می‌پردازد. مقاله فوق به نقد شکلی و محتوایی این اثر می‌پردازد؛ به گونه‌ای که در نقد شکلی، کتاب به لحاظ فنی، ساختاری و ویژگی‌های نگارشی و در نقد محتوایی نیز دقت و صحت مطالب و کم و کاستی‌های نویسنده در نگارش کتاب مورد بررسی قرار می‌گیرد. بررسی دقیق این کتاب نشان می‌دهد که این اثر با وجود کیفیت چاپ درخور توجه و روانی نسبی متن در برخی فصل‌ها دارای اشکالاتی است. از لحاظ محتوایی کتاب فوق دارای اشکالاتی از جمله عدم ارجاع به منابع دست اول، تصاویر بدون رفرنس، نبود یک ساختار کلی از سلسله‌ها و

* مدیر پایگاه ملی میراث فرهنگی شهر ری، دکترای باستان‌شناسی دوران اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، m.saadati69@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۳

حکومت‌های دوران اسلامی در کتاب و عدم یکپارچگی و انسجام مطالب با توجه گسترده‌گی حوزه کاری موضوع است.

کلیدواژه‌ها: باستان‌شناسی اسلامی، معماری اسلامی، هنر اسلامی، باستان‌شناسی اجتماعی.

۱. مقدمه

باستان‌شناسی اسلامی ابزاری است برای شناخت این جهان که از چهارده قرن پیش در سه قاره، از اقیانوس اطلس تا آرام و از تنگه جبل الطارق تا اندونزی همچنان مطرح و قابل درک است. باستان‌شناسی اسلامی به عنوان موضوعی درخور توجه و مورد علاقه در بسیاری از دانشگاه‌ها و خصوصاً کشورهای اسلامی، تعلقات آنها به تاریخ و فرهنگ برجسته‌شان را نشان می‌دهد و زمینه شناخت برای بسیاری از کشورهای اسلامی را به وجود آورده است (خالدیان و صدیقیان، ۱۳۹۲: ۱۲۱).

اگر بخواهیم تعاریف کوتاه و جامعی از باستان‌شناسی اسلامی بیان نماییم می‌توان به دیدگاه پژوهشگران و صاحب نظران این حوزه اشاره کرد. در باستان‌شناسی اسلامی، در زمینه اصطلاح و تعریف آن در میان پژوهشگران و صاحب نظران اختلاف نظرهایی وجود دارد. آنچه بیش از پیش در باستان‌شناسی چینی و ماهیت باستان‌شناسی اسلامی بایستی در نظر گرفته شود، همانا رابطه باستان‌شناسی اسلامی با دین و فرقه‌های اسلامی است. به گونه‌ای که برخی این گرایش از باستان‌شناسی را با مذهب و دین در ارتباط می‌دانند. پترسون باستان‌شناسی اسلامی را باستان‌شناسی دین قلمداد می‌کند و باستان‌شناسی اسلامی را با توجه به ساختار ماهوی آن که پیوندی ناگسستنی با دین اسلام و مفاهیم و مبانی شریعت داشته و دارد، دانش و فرایندی زنده می‌داند که امروزه نیز محل پژوهش و کنکاش محققان این عرصه محسوب می‌شود (پترسون، ۱۳۷۶: ۱۰۲). دونالد ویتکمب، باستان‌شناسی اسلامی را به عنوان یک باستان‌شناسی تاریخی با تجربه تعریف می‌کند که در حال تهیه شواهد حیاتی برای توسعه جامعه و اقتصاد در زمینه‌های اسلامی است (Whitcomb, 2002:6). تیموتی اینسول در کتاب باستان‌شناسی اسلام در تعریف باستان‌شناسی اسلامی بیان می‌کند که: «باستان‌شناسی اسلامی به عنوان یک مطالعه از اسلام مطرح می‌شود. به گونه‌ای که دین تامین کننده ساختار زیربنایی برای رفتار انسان بوده و ممکن است در کلیه جنبه‌های ثبت و ضبط در باستان‌شناسی مورد توجه قرار خواهد گیرد»

(Insoll, 1999: 29). هرچند این تعریف زیبا به نظر می‌رسد، اما بی‌گمان تنها با استفاده از داده‌هایی چون ساختمان‌ها و ابنیه‌های اسلامی و یا آگاهی از رژیم غذایی و دیگر مواردی از ایشان سعی می‌کنند با استفاده از آنها به فهم دستاوردهای مادی اسلام نایل آیند، رسیدن به باستان‌شناسی اسلامی کافی نیست؛ چون بر کسی پوشیده نیست که برای شناخت اسلام فقها، مراجع و تاریخ‌دانان اسلامی تواناترین افراد هستند، زیرا ایشان با توجه به احاطه کامل بر مبانی و اصول اسلامی و فقهی آگاه‌ترین افراد در این زمینه بوده و هیچ‌گاه باستان‌شناسان نخواهند توانست از این منظر به فعالیت پردازند (خالدیان و صدیقیان، ۱۳۹۲: ۱۲۹). ابزار باستان‌شناسی اسلامی در خدمت درک بهتر تمدنی است که وحدت خود را مدیون دین و شریعت اسلام است و تنوع فوق‌العاده‌اش را مدیون استقرار در سرزمین‌هایی با ساختارهای اقلیمی، فرهنگی و تاریخی کاملاً متفاوت است، کثرت و تنوع آثار مادی حاصل این استقرار در عین حال که منشاء محدودیت‌ها و مشکلاتی در مطالعات باستان‌شناسی است، می‌تواند نقش محرکی در تحول رهیافت‌ها و پیشرفت روش‌ها در باستان‌شناسی به طور کلی ایفا می‌کند (لاله، ۱۳۷۸: ۱۷). ابزار شناخت فرهنگ‌ها، آثار و نشانه‌هایی است که از زندگی جوامع مسلمان به وسیله فعالیت‌های میدانی باستان‌شناختی به دست آمده است. کشف شهرها و مجموعه‌های شهری، کتیبه‌ها، بناهای آرامگاهی، راه‌های باستانی، سفالینه‌ها و نسخ خطی و بسیاری از یافته‌های فرهنگی دیگر، هر یک نقش به‌سزایی در بازشناسی فرهنگ اسلامی ایفا می‌کنند. باستان‌شناسی اسلامی، معماری اسلامی، تاریخ هنر، مطالعات هنر اسلامی و دیگر رشته‌های نوظهور، حلقه‌های یک زنجیره را تشکیل می‌دهند که هدف واحدی دارند که همانا شناختی دقیق و عمیق از فرهنگ انسان گذشته است که در دوران اسلامی در آثار و پدیده‌های انسانی تبلور یافته است (موسوی حاجی و تقوی، ۱۳۹۳: ۱۰۲). هدف در باستان‌شناسی اسلامی همان هدفی است که باستان‌شناسی در مقیاس کلان پیگیری می‌کند. یعنی مسئله محوری و کشف حقایق پنهان گذشته با استفاده از فعالیت‌های میدانی (Grabar, 2006: 254).

پژوهش پیش‌روی تلاشی در جهت نقد کتاب مقدمه‌ای بر باستان‌شناسی اسلامی به روش نقد شکلی و تحلیل محتوایی این اثر است. در این راستا در نقد شکلی بر ساختار و اصول نگارشی کتاب و در بخش نقد محتوایی، به بررسی و نقد مطالب کتاب با هدف برطرف نمودن کاستی‌ها تاکید می‌شود.

هدف از نقد این کتاب، روشن ساختن میزان ارزشمندی متن کتاب یاد شده و همچنین شناسایی جایگاه آن برای متخصصان باستان‌شناسی دوران اسلامی و در ادامه ترجمه آن برای مطالعه فارسی‌زبانان است. از آنجا که تاکنون در زمینه میزان اهمیت این متن هیچ‌گونه مطلبی منتشر نشده است؛ پژوهش پیش‌روی می‌تواند راهگشای مناسبی برای نشان دادن میزان سودمندی این کتاب به شمار آید.

۲. معرفی نویسنده اثر

مارکوس میلرایت در حال حاضر مدیرگروه تاریخ هنر و مطالعات تجسمی دانشگاه ویکتوریا را برعهده دارد. زمینه‌های تحقیقات وی در زمینه باستان‌شناسی و هنر دوران اسلامی، شیوه‌های هنر و صنعت در خاورمیانه، تعاملات بین فرهنگی در قرون میانی و اوایل مدیترانه مدرن، یونان در زمان سلطنت عثمانی و همچنین تاریخچه پزشکی می‌باشد.^۱ مارکوس میلرایت دکترای خود را در موسسه شرق شناسی دانشگاه آکسفورد در سال ۱۹۹۹ به پایان رساند. وی در سال ۲۰۰۲ به گروه تاریخ هنر و مطالعات تجسمی دانشگاه ویکتوریا پیوست. وی نویسنده موضوعات مرتبط با هنرها و صنایع دوران اسلامی است: مجموعه‌ها (Edinburgh University Press, 2017)؛ گنبد سنگی و کتیبه‌های موزائیکی دوران بنی‌امیه، مطالعات ادینبورگ در هنر اسلامی (Edinburgh University Press, 2016)؛ مقدمه‌ای بر باستان‌شناسی دوران اسلامی، بررسی‌های جدید ادینبورگ (Edinburgh University Press, 2010)؛ و قلعه راون: کاراک در قرون میانی دوران اسلامی، تاریخ و تمدن اسلامی (Brill, 2008). میلرایت همچنین سردبیر مجموعه کتاب‌های بریل، هنر و باستان‌شناسی جهان اسلام است.

مقالات وی همچنین در مجلات معتبر دنیا نظیر مجله مطالعات شیشه، بررسی مطالعات مملوکیان، مجله بین‌المللی مطالعات معاصر عراق، مقرنس و مجله انجمن سلطنتی آسیا منتشر شده است. او به کارهای مرجع از جمله تاریخ جدید کمبریج (جلدهای ۱ و ۴)، دایره‌المعارف اسلام چاپ سوم، دایره‌المعارف ایرانیکا و دایره‌المعارف باستان‌شناسی جهان کمک فراوانی کرده است. وی هم‌اکنون در حال مطالعه درباره سفال‌های اوایل دوران اسلامی مکشوفه از شهر رقه سوریه است.

۳. توصیف شکلی اثر

کتاب «مقدمه‌ای بر باستان‌شناسی اسلامی» نوشته مارکوس میلرایت پژوهشگر استاد گروه تاریخ هنر دانشگاه ویکتوریا کشور کانادا در سال ۲۰۱۰ در ۲۷۳ صفحه توسط انتشارات دانشگاه ادینبورگ به عنوان یک شرکت نشر کتاب‌های علمی و دانشگاهی در شهر ادینبورگ اسکاتلند چاپ شد. این کتاب با اینکه تاکنون به فارسی ترجمه نشده، اما به‌عنوان منبع مهمی در شناخت باستان‌شناسی دوران اسلامی همواره مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفته است. در ۱۰ فصل به همراه واژه نامه تخصصی و سلسله و دوران تنظیم شده است. در فصل نخست که به نوعی دیباچه‌ای بر کتاب است، توصیف رویکردها و روش‌های باستان‌شناسی شرح داده می‌شود. در ابتدا اشاره‌ای به فرهنگ مادی در حفاری‌های جهان اسلام دارد و در ادامه به تعریف به باستان‌شناسی اسلامی پرداخته می‌شود. در ادامه نیز به نقش دین اسلام در باستان‌شناسی اسلامی در این اثر پرداخته شده است. در بخش پایانی این فصل به تاریخچه مختصری از باستان‌شناسی دوران اسلامی در جهان اشاره می‌شود.

در فصل دوم با عنوان صدر اسلام و اواخر دوران باستان، نویسنده ابتدا به بررسی باستان‌شناسی در اواخر دوران باستان می‌پردازد و در ادامه این فصل وقایع دوران ساسانی و فتح و گسترش اسلام در قرون نخستین اسلامی و وقایع تاریخی قصرهای قرون نخستین اسلامی به ویژه دوره اموی و معماری آنها پرداخته شده است. در فصل سوم کتاب راه‌های ارتباطی در قرون نخستین اسلامی شرح داده می‌شود. در ادامه این فصل به گسترش و شیوه تجارت در صدر اسلام با مناطق شمالی براساس گنجینه‌های مسکوکات قرون نخستین پرداخته می‌شود و سپس به نخستین بناهای عمومی همچون مسجد و دارالاماره با شروع دین اسلام اشاره داد.

در بخش اول فصل چهارم به روش‌های مورد استفاده در بررسی‌های منطقه‌ای و روش‌های تفسیر داده‌های روستایی مرتبط با الگوهای استقرار روستایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش دوم به سیستم‌های پیچیده حمل و نقل و جمع‌آوری آب متمرکز شده است. قسمت آخر این فصل نیز به بررسی شکر به عنوان یک کالای تخصصی در دوران اسلامی می‌پردازد و نقش باستان‌شناسی در بازسازی گسترش و سقوط نهایی این صنعت سودآور در خاورمیانه را در نظر می‌گیرد. فصل پنجم در خصوص مسئله شهرسازی

و کاخ‌ها در دوران اسلامی پرداخته می‌شود. در بخش اول این فصل خلاصه‌ای از باستان‌شناسی شهرهای قرون نخستین اسلامی ارائه می‌شود. موضوع دیگر مورد توجه در این بخش نقش کاخ‌ها در شکل‌گیری محیط شهری است. بخش دوم به زندگی شهری در قرون بعدی براساس نتایج حفاری‌های انجام شده در مناطق مختلف جهان اسلام می‌پردازد. بخش نهایی به مسئله آب و فاضلاب برای ساکنان شهرها اشاره می‌کند.

فصل ششم با موضوع اعمال دینی در جهان اسلام در ابتدا به مسجد و راه‌های سازگاری این مکان برای نماز جماعت در طول زمان پرداخته می‌شود. در ادامه به موضوع تغییرات در اعمال تدفین مسلمانان و تمرکز در قبرستان‌های غیردرباری در خاورمیانه در نظر گرفته شده است. سپس در بخش پایانی این فصل به وضعیت جوامع غیرمسلمان تحت حکومت مسلمانان به ویژه در رابطه با کلیساهای جنوب سوریه بزرگ در قبل و بعد از فتوحات اسلامی پرداخته می‌شود.

فصل هفتم نیز مبحث صنایع دستی و هنر در باستان‌شناسی دوران اسلامی مورد بحث قرار گرفته است. در این فصل ابتدا فعالیت‌های صنعتی و کارگاهی در بررسی‌ها و پرونده‌های باستان‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفته است. در ادامه به مهاجرت‌های صنعت‌گران و هنرمندان و گسترش صنایع در قرون نخستین اسلامی و سپس به احیای صنعت سفالگری به ویژه سفالینه‌های دست‌ساز در دوران اسلامی پرداخته می‌شود.

فصل هشتم به موضوع سفر و تجارت در بین مسلمانان و نقش آن در ایجاد بناها و تجارت در باستان‌شناسی اسلامی پرداخته می‌شود. در این فصل ابتدا به دنبال برخی از نظرات عمومی در مورد نقش باستان‌شناسی در ردیابی الگوهای نوسان تجارت دریای مدیترانه بین قرون ۵ تا ۹ هجری است. در ادامه به تحلیل باستان‌شناسی دو بندر سیراف و قصیر، در زمینه تجارت در اقیانوس هند پرداخته شده است. همچنین نویسنده در بخش دیگری از این فصل به بررسی و نقش مسیرهای زیارتی در گسترش و انتقال فرهنگ اسلامی به بحث پرداخته است. در فصل نهم با عنوان جهان اسلام پس از قرون وسطی در ابتدا به نقش و اهمیت دو کالای تنباکو و قهوه در تبیین تغییرات گسترده اجتماعی و اقتصادی در جهان اسلام از قرن هشتم تا دوازدهم هجری پرداخته می‌شود. در ادامه با عنوان مطالعه موردی نقش باستان‌شناسی در مطالعه استقرارهای استعماری-اروپای غربی و عثمانی- در مراکش، بحرین و یونان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در فصل دهم با عنوان نتیجه‌گیری، نویسنده به جمع‌بندی موضوعات مطرح شده در فصل قبلی و تحلیل موضوعات مشابه پرداخته است. نویسنده در پایان کتاب یک واژه‌نامه از اصطلاحات رایج در باستان‌شناسی دوران اسلامی و همچنین سلسله‌های دوران اسلامی را ارائه کرده است. در پایان هر فصل نیز یادداشت‌هایی درج گردیده که بیشتر توضیحات تکمیلی نویسنده و منابع مورد ارجاع وی می‌باشد. همچنین نویسنده تصاویر را در دو بخش، یعنی پایان فصل پنجم و پایان فصل دهم، ارائه کرده است. در انتهای کتاب، با بخش نمایه به پایان می‌رسد. نویسنده در بخش پایانی کتاب با ارائه یک نمایه کلی و جامع فهرستی از اسامی، اشخاص و مکان‌ها را نمایش داده است.

۴. نقاط قوت اثر

به نظر می‌رسد می‌توان از دیدگاه انتقادی چند مسئله در رابطه با ویژگی‌ها و نقاط قوت این اثر را بررسی کرد. یکی از نقاط قوت این کتاب، تقسیم بندی دقیق و واضح فصول بصورت موضوعی و زمانی است که خوانش و فهم آن را آسان نموده و بعدها سرعت یافتن یک موضوع در کتاب را آسان‌تر می‌کند. به گونه‌ای که با توجه به موضوع ابتدا از دوران باستان و سپس قرون اولیه و میانی اسلامی و در ادامه به قرون پایانی دوران اسلامی اشاره شده است. از دیگر ویژگی‌های مهم این کتاب وجود زیرمجموعه‌ها در فصل‌های متعدد کتاب است، به گونه‌ای که نویسنده با پایان هر بخش از کتاب وارد بخش دیگری در همان فصل می‌شود. ارائه نقشه‌ها و پلان‌های معماری از منابع دست اول از دیگر ویژگی‌های این کتاب است که خواننده را به سوی خود جلب می‌کند. پی‌نوشت‌ها در پایان هر فصل از کتاب علاوه بر مستندسازی مطالب، بیانگر تسلط نویسنده کتاب بر منابع است. با توجه به حضور نویسنده کتاب در کاوش‌های متعدد باستان‌شناسی در سوریه و مصر، برخی واژه‌های کلیدی عربی، صورت آوانگاری اسامی خاص در اکثر موارد به صورت دقیق صورت پذیرفته است. ذکر فهرست مطالب در ابتدا و فهرست‌های اعلام در انتهای کتاب امکان بهره‌گیری سریع از مطالب کتاب را فراهم کرده است.

کتاب حاضر با توجه به گستردگی مطالب منبع مفیدی برای پژوهشگران باستان‌شناسی، معماری و شهرسازی محسوب می‌شود. یکی دیگر از نقاط قوت اصلی کتاب، روانی و سادگی متن و استفاده از زبان گویا و خنثی در توصیف و توضیح موضوعات مختلف در

هر فصل و هر بخش است. نویسنده در این کتاب با بهره‌گیری از دو عنصر داده‌های باستان‌شناسی و منابع تاریخی و با کنار هم قراردادن این دو عنصر، توانسته به خوبی به توصیف و تحلیل نکات مهم و مرتبط با باستان‌شناسی دوران اسلامی را شرح دهد. گستره منابع و مآخذ مورد استفاده مولف و دقت فراوان در ذکر شواهد متعدد و موثر از منابع و تحقیقات، که اغلب هم در متن و هم در پانوشت‌ها نمود یافته، یکی از ویژگی‌های ممتاز و آموزنده‌ی کتاب بوده که به قدری گسترده است که در برخی مواقع بر متن می‌چربد.

یکی از نکات مثبت این اثر تسلط نویسنده به قلمرو باستان‌شناسی دوران اسلامی و ذکر تاریخچه مختصر باستان‌شناسی دوران اسلامی در ابتدای کتاب نشان دهنده این امر است. هم‌چنین نویسنده در پایان کتاب به ذکر سلسله‌ها و حکومت‌های دوران اسلامی هر چند به اختصار پرداخته، که به خواننده در جهت درک بیشتر از حکمان و فرمانروایان مناطق مختلف اسلامی کمک فراوانی می‌کند و به ارزش علمی این کتاب نیز افزوده است. هم‌چنین در بخش نمایه، نویسنده به خوبی به خواننده جهت دسترسی سریع به مطالب کتاب کمک نموده است؛ با بررسی‌های بعمل آمده مشخص شد که این نمایه کل کتاب فوق را تحت پوشش قرار می‌دهد و یکی از نقاط قوت این کتاب است.

۵. تحلیل و نقد ابعاد شکلی اثر

طرح روی جلد کتاب با قرارگیری یک بنای سنگی، در یک نمای آبی رنگ، به کتاب زیبایی خاصی بخشیده است. متأسفانه توسط نویسنده بنای روی جلد معرفی نشده است، اما با توجه به ساختار سنگی بنا، بیشتر شبیه به بناهای منطقه شامات است. از دیگر ویژگی‌های شکلی اثر باید به حروف نگاری و صفحه‌آرایی استاندارد آن اشاره کرد. استفاده از جلد گالینگور، قطع کتاب و فونت و اندازه قلم همانند دیگر کتب انتشارات دانشگاه ادینبورگ، کاملاً مناسب انتخاب شده است. اغلاط املائی چندانی در متن دیده نمی‌شود و تمامی قواعد نگارشی و ویرایشی در متن رعایت شده است. علاوه بر موارد فوق، برخی از ضعف‌ها و اشکالات کلی این اثر از بعد شکلی نیز در ادامه به صورت فهرست اشاره می‌شود.

۱.۵ ضعف در ارجاعات متنی

نویسنده در این کتاب هرچند در استفاده از منابع دست اول، با اطلاعات کافی از موضوع به خوبی استفاده نموده است اما برخی منابع را با نقل از منبعی بدون ارجاع درج نموده است. برای مثال در پاراگراف اول صفحه ۲۴ با اشاره به موضوع فتح اعراب و سقوط دولت ساسانی؛ پاراگراف آخر صفحه ۳۷ در بخش قصرهای دوران اموی؛ صفحه ۴۴ و ۴۵ کتاب با موضوع مقدمه‌ای بر مسیرهای جدید در قرون نخستین اسلامی (با اشاره به فتوحات مسلمان و ایدئولوژی‌های سیاسی ساسانیان و تاثیرگذاری آن بر مسلمانان - بدون ذکر حتی یک منبع)؛ پاراگراف دوم و آخر در صفحه ۱۲۵ فصل ششم با موضوع نقش مسجد در اسلام؛ پاراگراف اول با موضوع صنعت و هنر در ابتدای فصل هفتم؛ پاراگراف اول صفحه ۱۶۱ با موضوع مسیرهای زیارت و تجارت.

۲.۵ ضعف در ارائه تصاویر

یکی دیگر از نقص‌های شکلی این اثر قرارگیری تصاویر کتاب در دو بخش (پایان فصل پنجم و پایان فصل دهم) است، این امر در درک دقیق مخاطب از فصل‌های کتاب را با دشواری روبرو خواهد کرد. در صورتی که نویسنده با قرار دادن تصاویر در داخل متن‌ها، به خواننده درک بهتری از وضعیت معماری، نقشه‌ها و دیگر مسائل تصویری منتقل می‌شود. تصاویر در کتاب‌ها در زمینه انتقال مطالب به خواننده نقش مهمی برخوردار است. یکی از ضعف‌های دیگر این کتاب در بخش تصاویر، عدم ارائه تصاویر رنگی است. برای برخی از تصاویر از جمله سفال‌ها و بناهای باستانی، استفاده از تصاویر رنگی الزامی است. به گونه‌ای که بیشتر تصاویر از کیفیت پایینی برخوردار است. برای نمونه در بخش اول تصاویر ۱-۱، ۲-۵، ۳-۵، ۴-۴، ۵-۷، ۵-۸ و در بخش دوم تصاویر ۲-۶ و ۸-۹ از کیفیت پایینی برخوردار است. همچنین برخی از تصاویر و نقشه‌ها فاقد رفرنس و منبع است. به طور مثال تصویر ۳-۶ و نقشه‌های ۱-۲، ۲-۸، ۳-۵، ۴-۲، ۸-۹، ۹-۱، ۹-۷، ۹-۷ فاقد منبع و یا حتی ارائه رفرنس مبنی بر طراحی توسط خود نویسنده است. برخی از تصاویر سفال‌های، فاقد طراحی سفال است. برای نمونه تصویر ۳-۱، ۵-۱۰، ۷-۳، ۷-۴، ۷-۷، ۸-۳، ۹-۲ و ۹-۴ فاقد طراحی سفال‌ها است. بهتر بود نویسنده جهت درک بیش‌تر خواننده از سبک و نقوش سفال‌ها، در کنار تصویر سفال از طرح‌هایی نیز استفاده می‌کرد.

هرچند نویسنده در یک تصویر (۳-۹) برای نمایش سفال‌ها از طرح‌های آن در کنار تصاویر استفاده نموده است.

۳.۵ عدم استفاده از جداول و نمودار

یکی دیگر از ضعف‌های این کتاب عدم استفاده از جدول و نمودار در این کتاب است. نمودار و جدول زمانی در یک پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد که نشان دهنده تضادها و تشابهات بین داده‌ها و مقایسه آنها باشد. به طور مثال نویسنده با ارائه جدولی از شواهد و داده‌های باستان‌شناسی دوران ساسانی (شامل معماری، سفال، گچبری و ...) به تحولات و گذر این داده به دوران اسلامی بپردازد. با ارائه جدول در این کتاب نویسنده بسیاری از مقادیر و داده‌های ویژه را در یک فضای اندک به خواننده نشان می‌دهد. این کتاب هم‌چنین فاقد هرگونه نمودار است که نویسنده می‌توانست با ارائه نمودارهایی از شواهد و داده‌های باستان‌شناسی اسلامی به تفسیر و مقایسه آن با دوران قبل بپردازد.

۶. نقد محتوایی اثر

این کتاب تلاشی است برای نگارش اثری جامع در مورد باستان‌شناسی اسلامی با تمامی جوانب و ویژگی‌های تخصصی این حوزه است. گرچه پیش از آن، چندین کتاب در مورد باستان‌شناسی دوره اسلامی نگارش شده بود (Wilkinson, 1971; Grabar, 1987; Insoll, 1999; Whitcomb, 2002; Walmsley, 2002)، اما جدید بودن و دامنه مباحث این اثر اهمیت آن را نشان می‌دهد. کتاب فوق با وجود نقاط مثبت، دارای یکسری ضعف‌ها در زمینه‌های محتوایی است.

یکی از مهم‌ترین ضعف‌های میلرات در این کتاب، انعکاس افکار وی در تعریف «باستان‌شناسی اسلامی» است. نویسنده در صفحه ۳ کتاب در مواردی اشاره می‌کند که: «در دهه‌ها اخیر زیرمجموعه‌های باستان‌شناسی که به مطالعه فازهای استقرار اسلامی (یعنی مکان‌هایی که اسلام را به رسمیت شناخته‌اند) می‌پردازد به عنوان باستان‌شناسی اسلامی از آن یاد می‌شود. در بخش مقدمه صفحه ۷ نگارنده به نقل از کتاب باستان‌شناسی اسلام تیموتی اینسول اشاره می‌کند که باستان‌شناسی اسلامی را مطالعه

انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی و تاریخ هنر معماری با دامنه وسیعی از منابع می‌داند. اینسول برخلاف میلرایت باستان‌شناسی اسلامی را مطالعه رفتارهای مسلمانان در سراسر جهان مطرح می‌کند. به طور کلی میلرایت تفاوتی میان «باستان‌شناسی اسلامی» و «باستان‌شناسی دوران اسلامی» قائل نیست. هرچند عنوان کتاب‌های اینسول و میلرایت نشان‌دهنده افکار و بیان نویسندگان آن است، اما به طور کلی باستان‌شناسی اسلام در اصل به مطالعه ماهیت اسلام و تاریخچه آن مرتبط است و باستان‌شناسی دوران اسلامی به مطالعه به مطالعه شواهد و داده‌های باستان‌شناسی در این برهه زمانی است و کاری به ماهیت اصلی اسلام ندارد. هرچند اسلام و مظاهر آن در برخی از آثار این دوره نیز نقش بسته است.

نویسنده به درستی با پیشنهادی قبل از ورود اسلام به مباحث دوران اسلامی ورود کرده است که این امر نویسنده را به نحوه تاثیرگذاری و گذر از دوران باستان به دوران اسلامی را در مباحث شهرسازی، معماری، مذهب و حتی هنر به خوبی به‌کار رفته است. نقص کار نویسنده در این بخش تنها، عدم اشاره به مباحث شهرسازی، معماری، مذهب و حتی هنر دوران قبل اسلام است به گونه‌ای که نویسنده باید به تفاوت‌ها، شباهت‌ها و تاثیرگذاری اسلام از دوران قبل به ویژه ساسانی را نیز به خوبی درک نماید. نویسنده در صفحه ۱۹ کتاب اشاره می‌کند که «باستان‌شناسان در خاورمیانه به صورت آهسته به اهمیت ثبت و ضبط مراحل استقرار دوره اسلامی پرداخته‌اند و به جای آن به دوران تاریخی توجه شده است». هرچند به نظر میلرایت مطالعات باستان‌شناسی دوران اسلامی در خاورمیانه به صورت اندک و پراکنده‌تر بوده است اما در خاورمیانه همواره مبحث باستان‌شناسی دوران اسلامی در محوطه‌های مهمی همچون شوش، ری، نیشابور، سیراف، سامرا و غیره در کشورهای ایران، عراق، اردن، سوریه و ترکیه مورد توجه پژوهش‌گران و باستان‌شناسان قرار گرفته است. در بخش یادداشت‌های فصل اول کتاب در شماره ۱۲، نویسنده در ارجاع به مطالعه بیشتر در خصوص کاوش‌های باستان‌شناسی شهر ری به کار تانیا تریپتو اشاره می‌کند. در صورتی که این منبع، یک منبع دست دوم بوده و خود اشاره‌ای به خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی اشمیت در شهر ری است. نویسنده می‌توانست به کارهای اشمیت طی سه فصل کاوش در شهر ری اشاره کند. در تصویر دوم فصل اول، نویسنده یک نقشه با زیرنویس «مکان‌های اصلی مورد بحث در این کتاب» را ارائه داده است. در صورتی که این منطقه که به صورت کادری مجزا و مشخص شده، تنها بر منطقه عراق، شمال عربستان، بخشی از جنوب ترکیه و شمال غربی

ایران با تاکید بر دوران اسلامی دلالت دارد. هرچند در کتابی نویسنده تقریباً به همه قلمرو جهان اسلام اشاره کرده است.

یکی از مهمترین اشکالات این کتاب به عنوان یک منبع تاریخگذاری دوران اسلامی، عدم اشاره به تقویم میلادی و هجری است؛ به گونه‌ای که در بیشتر بخش‌های کتاب فقط سال ذکر شده است. نویسنده در بخش ابتدایی کتاب در اختصارات بکار رفته در آن و نیز در مقدمه به این مبحث اشاره‌ای نکرده است. هرچند به نظر می‌رسد بیش‌تر تاریخ‌ها به صورت میلادی است؛ ولی برای درک بهتر خواننده و هم‌چنین تاریخ‌گذاری اسلامی، بهتر بود نویسنده در کنار تاریخ میلادی، تاریخ هجری را نیز درج می‌نمود.

نویسنده در انتهای پاراگراف اول صفحه ۳۳ کتاب عنوان می‌کند که «در اصطلاح دیوار اسکندر در حال حاضر ۱۷۵ کیلومتر از دشت گرگان به سمت کوه‌ها، با قلعه‌هایی در امتداد به سمت جنوب متصل می‌شود». عنوان دیوار اسکندر برای دیوار بزرگ گرگان در شمال ایران از سوی نویسنده مورد نقد است. این دیوار که در منابع گوناگون به صورت سد و دیوار انوشیروان، سد اسکندر و دیوار فیروزکند آمده و امروزه نیز ترکمن‌ها به آن «مار قرمز» می‌گویند (Kiani, 1982: 73). بهتر است با توجه به قرارگیری این دیوار به طول ۱۸۰ کیلومتر در ناحیه گرگان، نویسنده از اصطلاح دیوار گرگان، به جای دیوار اسکندر استفاده می‌کرده است.

در صفحه ۳۴ نویسنده اشاره می‌کند که در قرن ششم و اوایل قرن هفتم میلادی، در سواحل جنوبی خلیج فارس شاهد افول شهرها و سکونتگاه‌ها هستیم و به گونه‌ای که سفال‌های دوره ساسانی فقط از محوطه‌های صحار، کوش و خاظ گزارش شده است. در حالی که در مناطق سواحل عربی (جنوبی) خلیج فارس شواهد مهمی از استقرارهای دوره ساسانی و دوران اسلامی توسط باستان‌شناسان در محوطه‌هایی همچون اعلی و القصور کشف شده است (Patitucci and Uggeri 1985; Sasaki 1990; Kennet 2002).

در بخش اول از فصل سوم نویسنده به ایجاد شهرهای جدید دوران اسلامی و تأثیرات و شکل‌گیری ایدئولوژی اسلامی بر شهرهای دوران ساسانی و تسلط دین اسلام بر این شهرها می‌پردازد. نویسنده به شهرهای مانند سامرا عراق، رقیقه سوریه، مدینه الزهرا اسپانیا، قاهره مصر و غیره اشاره دارد، در حالی که شهرهای مهمی همچون ری، سیراف، شوش، جرجان و نیشابور در این دوران در ایران شکل و یا بر اساس ایدئولوژی دین اسلام

تکامل یافت؛ هرچند در صفحات ۴۶-۴۹ به صورت مختصر به برخی از شهرهای ایران نیز اشاره شده است، اما به نظر می‌رسد یکی از ضعف‌های اصلی این کتاب عدم توجه به جغرافیای سیاسی کنونی کشور ایران است. شهرهای ایران هر کدام به عنوان یکی از قطب‌های سیاسی، مذهبی، اقتصادی، تجاری و فرهنگی در دنیای اسلام مطرح هستند. هرچند میلرایت در خصوص شهرهای آسیای صغیر، آسیای مرکزی، هندوستان و بخش‌های مسلمان نشین چین و ترکستان نیز با وضعیتی مشابه با مطالب شهرهای ایران پرداخته است، اما به نظر می‌رسد انتخاب عراق و سوریه به دلیل مرکزیت آنها در زمان خلفای اموی و عباسی، به عنوان مهمترین مراکز جهان اسلام بوده است.

در صفحه ۴۹ از فصل سوم کتاب نویسنده به مباحث تجارت در قرون نخستین اسلامی با مناطق شمالی می‌پردازد؛ نویسنده به ضرابخانه‌ها و گنجینه‌های سکه‌های اسلامی در روسیه، اسکاندیناوی و دیگر کشورهای مناطق شمالی اشاره می‌کند. به نظر می‌رسد بهتر بود میلرایت علاوه بر اشاره بر تجارت با مناطق شمالی، با تیتری اختصاصی در همین فصل به تجارت دریایی در جنوب و شرق به بررسی منطقه سیراف می‌پرداخت.

در بخش دوم از فصل چهارم نویسنده به مبحث باستان‌شناسی انتقال آب پرداخته است؛ درحالی که نویسنده علاوه بر این مطالب، در این بخش می‌توانست به ارائه مباحث انتقال و مهندسی آب به عنوان یکی از عناصر اصلی توسعه شهری و توجه به شبکه‌های فاضلاب در مطالعات باستان‌شناسی مناطق شهری دوران اسلامی بپردازد.

در فصل ششم نویسنده به نقل مطالب در خصوص مساجد به عنوان اولین جنبه دین اسلام پرداخته است. در این فصل با عنوان اعمال دینی در جهان اسلام نویسنده تنها به دو بخش پلان و شیوه معماری مساجد و تدفین (قبرستان) اشاره کرده است. بهتر بود در یک فصل به صورت جداگانه به مباحث ریشه‌های شکل‌گیری مساجد پرداخته شود. هم‌چنین در بخش تدفین نویسنده به شیوه قرارگیری قبر و چیدمان آنها پرداخته است؛ به نظر می‌رسد نویسنده می‌بایست جهت درک بیشتر خوانندگان به نقش قبرستان در جهان اسلام و موقعیت آن در شهرهای دوران اسلامی به ارائه نظر بپردازد. هرچند ارائه این مطالب بیش‌تر سلیقه‌ای است و جنبه نقد و ایجاد خلل در این کتاب نیست اما در جهت درک بیش‌تر خواننده از کتاب می‌تواند به صورت پیشنهادی به نویسنده کتاب و مترجم (در صورت ترجمه به فارسی) مطرح گردد.

همچنین در فصل هفتم با توجه به قرارگیری و همچنین ارتباط دو واژه صنعت و تجارت (عنوان فصل هفتم)، نویسنده باید در این بخش به مقوله تجارت ورود و جنبه‌های مختلف تجارت در دوران اسلامی می‌پرداخت. بخشی که در فصل هشتم با عنوان تجارت و سفر به صورت جداگانه بحث شده و به نظر می‌رسد با توجه به ارتباط این دو مقوله باهم، در صورت قرارگیری در یک فصل و بخش تاثیر بیشتری بر خواننده مطالب را ایفاد خواهد نمود.

در صفحه ۱۵۹ از فصل هشتم نویسنده تنها به جنبه وجود سفال‌های دوران اسلامی در مناطق مختلف اسلامی و غیراسلامی به مسئله تجارت و سفر ورود کرده است. در صورتی که یکی از مسائل مهم در تجارت دوران اسلامی سکه‌های این دوران می‌باشد که در این کتاب کمتر بدان توجه شده است. نویسنده در این بخش می‌بایست با ارائه یک نمونه مطالعه موردی از بنادر تجاری دوران اسلامی و جنبه‌های مختلف تجارت و کالاهای آن دوران، اطلاعات مهمی در زمینه تجارت و سفر در دوران اسلامی به نویسنده کمک شایانی داشته باشد.

در پایان پاراگراف صفحه دوم صفحه ۱۶۲ نویسنده اشاره می‌کند که در: «کاوش‌های رباط شرف، واقع در شمال شرقی ایران، در جاده به شهر مرو، منجر به بازیابی یک مجموعه از ظروف فلزی و سایر اقالام از قرن دوازدهم تا دوره صفوی (۱۷۲۲-۱۵۰۱) شده است.» به نظر می‌رسد نویسنده به صورت جزئی به این موضوع اشاره می‌کند به گونه‌ای که تنها در کتاب به همین دو خط در خصوص مسیرهای تجاری و زیارتی به این کاروان‌سرا و حتی منطقه ایران اشاره دارد. موضوع مسیرهای تجاری و زیارتی همواره با ساختارهای معماری همچون کاروانسرا در ارتباط است. بهتر بود نویسنده جهت درک بیش‌تر نویسنده در خصوص این موضوع در فصل هشتم به کاروانسراها و نقش آن‌ها در مسیرهای تجاری و زیارتی دوران اسلامی اشاره می‌کرد. نویسنده همچنین در پاراگراف دوم صفحه ۱۶۹ به صورت دوپهلوی بیان می‌کند که: «تنها یک قطعه سفال چینی در قرن هشتم در سیراف شناسایی شده در حالی که در حفاری‌های مسجد جامع تعداد قابل توجهی از سفال چینی در دو مرحله و همچنین شواهد سکه شناسی بین سالهای ۸۰۳-۸۱۵ کشف شد.» در صورتی که کاوش‌های باستان‌شناسی در منطقه سیراف تراکم بالای

وجود سفال‌های سبک چینی با توجه به جنبه تجاری بودن آن، را نشان می‌دهد (Tampeo, 1989: 106).

در بخش پایانی کتاب نویسنده بخشی را تحت عنوان واژه نویسی ذکر کرده است که با وجود اهمیت و نقش آن در کتاب، خالی از اشکال در تعریف واژه‌ها نیست. به طور مثال در تعریف قنات ذکر شده که: «کانال زیرزمینی، احتمالاً از ایران گرفته شده و در سایر نقاط جهان اسلام استفاده شده است»، در صورتی که براساس متون و همچنین شواهد باستان‌شناسی قنات یک شیوه و حرفه‌ای ایرانی است (برهمند، ۱۳۸۷: ۸) نویسنده به اشتباه از واژه «احتمالاً» استفاده کرده است.

در سلسله‌ها و حکومت‌های دوران اسلامی نویسنده در جدولی به اختصار به حکومت‌های دوران اسلامی اشاره می‌کند. نویسنده در این بخش تنها به سلسله‌های قرون نخستین تا میانی اسلامی اشاره می‌کند، در حالی که برخی سلسله‌ها و حکومت‌های مهم به ویژه در ایران همچون تیموری، صفوی و قاجار در این بخش اشاره نشده است.

به طور کلی یکی از ضعف‌های محتوایی مهم این کتاب عدم اشاره به حدود جغرافیایی جهان اسلام و همچنین دوره‌بندی در دوران اسلامی است. متأسفانه درخصوص این حوزه در کتاب به صورت حتی جزئی اشاره‌ای نشده است. به گونه‌ای که خواننده با مطالعه این کتاب تنها به جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دوران اسلامی پی خواهد برد و از لحاظ جغرافیای سیاسی با مشکل روبرو خواهد شد. در صورتی که تنها در بخش پایانی و خارج از بحث نویسنده بخشی از سلسله‌های دوران اسلامی با چکیده‌ای از آن سلسله ذکر کرده است. نویسنده بهتر بود این بخش را تحت عنوان پیوست اول و با بررسی بیشتری به کار می‌برد.

۷. نتیجه‌گیری

کتاب مقدمه‌ای بر باستان‌شناسی اسلامی از نظر روانی متن، فصل بندی و ترتیب علمی متن، نقشه‌ها و صفحه آرایی در زمینه جذب مخاطب به ویژه باستان‌شناسان با گرایش دوره اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار است. باتوجه‌به آنچه که در بالا بیان شد، کتاب حاضر، علی‌رغم کاستی‌های موجود، نمایی کلی از باستان‌شناسی دوران اسلامی را در معرض مخاطبان قرار داده است. این کتاب با هدف آشنایی کلی باستان‌شناسی

دوران اسلامی، نقش فرهنگ‌های باستان‌شناسی در این دوره و همچنین آشنایی با برخی بناها، آثار و اشیای هنری دوران اسلامی تدوین یافته است. مقاله فوق با اشاراتی بر کاستی‌های کتاب مقدمه‌ای بر باستان‌شناسی اسلامی به بررسی و نقد شکلی و محتوایی آن پرداخته است. از بعد شکلی این کتاب در زمینه ارجاعات متنی، عدم استفاده از تصاویر رنگی، کیفیت پایین تصاویر و عدم استفاده از جدول و نمودار در متن دارای ضعف‌هایی است. از حیث ابعاد محتوایی این کتاب دارای اشکالاتی از جمله عدم ارجاع به منابع دست اول، تصاویر بدون رفرنس (تاریخ و صفحه)، عدم اشاره به برخی هنرهای دوران اسلامی (سفالگری) و تزئینات وابسته به معماری، نبود یک ساختار کلی از سلسله‌ها و حکومت‌های دوران اسلامی در کتاب و عدم یکپارچگی و انسجام مطالب با توجه گستردگی حوزه کاری موضوع است.

بی‌تردید نقد و بررسی این کتاب برای نگارنده نیز بسیار آموزنده بود. زیرا با نکاتی در نقد محتوایی این اثر آشنا شدم که توانست در پیچه نگاه مرا نسبت به معماری و هنر باستان‌شناسی و همچنین باستان‌شناسی اجتماعی تا حدودی اصلاح نماید.

در نتیجه این کتاب به عنوان یکی از متون تخصصی باستان‌شناسی و یک منبع مناسب برای دانشجویان باستان‌شناسی با گرایش دوران اسلامی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، تاریخ اسلام و جامعه‌شناسی که قصد آشنایی کلی و مختصر با این دوره را دارند، کاربرد فراوانی دارد. بی‌شک ترجمه این کتاب و رفع کاستی‌های موجود تحت عنوان تالیف توسط مترجم، می‌تواند تا حدودی بر محتوای این کتاب بیافزاید.

پی‌نوشت‌ها

۱. علاوه بر موارد فوق، میلرایت در زمینه کتیبه‌های دوره اموی، تزئینات معماری سامرا در دوره عباسی، شیشه‌های قرون میانه اسلامی در دمشق، تزئینات با موضوع چوب در اواخر دوره عثمانی در دمشق، سفال‌های دوره عثمانی در بلاد شام، دوره ایوبی در بخش اردن جنوبی و تزئینات کاخ‌های دوره عباسی نیز مقالات و یادداشت‌هایی به رشته تحریر درآورده است.

کتابنامه

- برهمند، غلامرضا (۱۳۸۷). «درآمدی بر سیر تاریخی پدیده قنات و نقش تمدنی آن در ایران»، دوفصلنامه مسکویه، دوره ۲، شماره ۸، صص ۳۲-۷.
- پترسون، اندرو (۱۳۷۶). «شناخت وجه فلسفه باستان‌شناسی اسلامی؛ باستان‌شناسی اسلامی چیست؟»، ترجمه بهاره بخشنده، فصلنامه اثر، شماره ۴۴، صص ۹۸-۱۰۹.
- خالدیان، ستار و حسین صدیقیان (۱۳۹۲). «باستان‌شناسی دوران اسلامی، تاریخیچه و مفاهیم»، مجله پیام باستان‌شناس، سال دهم، شماره نوزدهم، صص ۱۳۲-۱۲۱.
- لاله، هایده (۱۳۷۸). «باستان‌شناسی دوران اسلامی ایران»، نمایه پژوهش، سال سوم، صص ۲۸-۱۷.
- موسوی حاجی، سید رسول و عابد تقوی (۱۳۹۳). «نقش باستان‌شناسی اسلامی در بازشناسی فرهنگ و تمدن اسلامی ایران با تاکید بر سند تحول در علوم انسانی»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۷، صص ۹۹-۱۱۳.

- Grabar, O. (1987). *The Formation of Islamic Art*, Yale: Yale University Press.
- Grabar, O. (2006). *Islamic Art and Archaeology*, in *Islamic Art and Beyond*, Volume III, Constructing the Study of Islamic Art, Hampshire: Ashgate Publishing Limited.
- Insoll, T., (1999). *The Archaeology of Islam*, Blackwell: Oxford.
- Kennet. D. (2002). Sasanian Pottery in Southern Iran and Eastern Arabia. *Iran*, Vol. 40 (2002), pp. 153-162
- Kiani, M. Y., (1982). Excavation on the Defensive Wall of the Gurgan Plain: A Preliminary Report, *Iran*, Vol.20, pp 73-79.
- Milwigh, M. (2010). *An Introduction to Islamic Archaeology*, Edinburg University press.
- Patitucci, S. and Uggeri, G. (1985). *Failaka insediamenti medievali islamici, ricerche e scavi nel Kuwait*, Rome.
- Sasaki, T. (1990). Excavations at A'Ali - 1988/89, *Proceedings of the Seminar for Arabian Studies* 20: 111-29.
- Tampeo, M. (1989). Maritime Trade between China and West" An Archaeological Study of the Ceramics from Siraf (Persian Gulf) 8 to 15th centuries A.D. (BAR International Series 555, 1989).
- Walmsley, A. (2002). Archaeology and Islamic studies, 1th meeting conference Orientalsk forum, Copenhagen.
- Whitcomb, D., (2002). *Islamic Archaeology*, Chicago.
- Wilkinson, C., (1971). *Islamic Archaeology in Iran, Expedition*, Vol.5, pp.62-65.